

## شهرت ویرینه دانشگاه گندیشاپور



شاهنشاہ وشهبانو در سالن سخنرانی دانشگاه گندیشاپور

جهشی نشان دهد و انتظاری که از آن می رود بر آورد . بطوریکه در پیش بر شمرديم ، دانشگاه گندیشاپور در روزگار ان گذشته بزرگترین و کاملترین و نامدارترین مرکز علمی جهان بود ، یعنی در عصر خود ، یکه تاز میدان دانش و بینش بود و در آن زمان که هنوز دانشگاهی

در حال حاضر میدان فعالیت دانشگاه گندیشاپور محدود است ، مانند پهلوانی است که دست و پای او را بازنجیر گران بسته باشند و از او بخواهند که زور آزمائی و هنرنمائی کند . گندیشاپور با وضع فعلی تابع مقررات پرپیچ و خم وزارت آموزش و پرورش است و از خود استقلالی ندارد تا ابتکاری بکاربرد و



شاهنشاه آریامهر، استادان دانشگاه گندیشا پور را مورد عنایت قرار میدهند

بمفهوم وسیع کنونی در جهان پدیدار نگشته بود، این دانشگاه پی ریزی شد و سرفراز است و سرآمد مراکز تحقیقاتی جهان گشت و بهترین روش آموزش و پرورش را بجهانیان بخشید. سازمان دانشگاه گندیشا پور در نوع خود بی نظیر بود، بیمارستانش شهرت جهانی داشت، استادانش از بزرگترین دانشمندان عصر شمار بودند و شاگردانی از آنجا فارغ التحصیل میشدند که مایه مباحث جهان علم و ادب بودند. همین دانشجویان به نوبت خود استادانی میشدند که ایران و ایرانی را سرفراز و پر آواز میساختند.

بزرگانی که دچار بیماریهای صعب‌العلاج میشدند و سایر پزشکان از مداوای آنها باز میماندند، دست‌توسل بسوی پزشکان این دانشگاه

همین دانشگاه بود که مطمئن نظر دانشمندان و دانشجویان جهان بود، هر دانشمندی که



دراز میکردند و درمان دردهای خود را از آنها میخواستند .

این حسن شهرت از آنجهت نصیب این دانشگاه گشت که از آزادی عمل کامل بهره‌مند بود، یعنی آنروز مقررات بیمعنی و قیود بیچیده اداری دست و پای گردانندگان دستگاه را نگرفته بود .

در نتیجه این آزادی بود که دانشگاه توانست گسترش وجهش یابد و نبوغ دانشمندان ایرانی را متجلی سازد و در جهان بلندآوازه کند، آنچنان آوازه و شهرتی که تا با امروز هم در مجامع علمی جهان طنین انداز است.

رئیس دانشگاه گندیشاپور، طی گزارشی

به پیشگاه شاهانه معروض میدارد :

«در سیر تاریخی و گذشته دانشگاه گندیشاپور بس گفته و نوشته‌اند، در سفر اخیر که جان نثار بآمریکا نمود، تعدادی از کتابخانه‌های معتبر آنجا بازدید شد و در اکثر آنها ملاحظه گردید که: کلمه «گندیشاپور» در فصول مختلفی از کتابهای تاریخ پزشکی درج شده و حتی جزئیات جالبی در روش آم-وزشی و امکانات و حتی پزشکان و حق‌المعالجه‌یی که می‌گرفتند ذکر گردیده است .

گردش روزگار : این کاخ دانش بحکم گردش روزگار



هنگامیکه شاهنشاه و شهبانواز سالن سخنرانی دانشگاه گندیشاپور خارج میشدند دلهای استادان و دانشجویان آکنده از شوق و امید بآینده‌ی درخشانتری بود

**شاهها** ... هزاران آفرین بر این ژرف بینی  
 و روشن دلی و دانش پروری . آری، بیگمان  
 روزی فرار سد که آرزوی شاهانه بر آورده  
 شود و ایران در میان اقران بلند آوازه تر گردد  
 و دانشگاه گندیشاپور ، شکوه و شهرت دیرینه را  
 باز یابد و چراغ معرفت فراراه جهانیان نهد

### امان از مقررات ! :

اما شاهها . امان از زنجیر مقرراتی که  
 هم اکنون دست و پای پهلوان میدان جهش  
 دانشگاه گندیشاپور را بسته بطوریکه دیری نپاید  
 که فرار برقرار بر گزینند و در کار باربدان نگاه  
 «جان‌ها پکینس» پناه برد!

دانشگاهی که بگواهی تاریخ، کهنه‌ترین  
 دانشگاه جهان شناخته شده و البته از عنایات شاهانه  
 برخوردار است رئیسش این درو آن در میزند،  
 سدهای موانع گسترش کار دانشگاه را یکی  
 پس از دیگری می‌شکند تا شاید اعتباری بمنظور  
 تکمیل نقایص این مؤسسه عظیم فرهنگی بدست آورد.  
 اما چون در برابر همین اعتبار اختیار لازم را ندارد  
 غالباً اعتبار فدای عدم اختیار میگردد ، تا سال  
 منقضی میشود و هزینه‌های لازم در پیچ و خمهای  
 مقررات معوق و ممنوع الاجرا میماند و چه بسا  
 اعتبارات دریافتی بخزانة دولت بر میگردد و در  
 ستون «صرفه جوئی» قرار میگردد و بمصرف  
 ضروری و فوری خود نمیرسد .

همین سال گذشته بود که ده میلیون ریال از  
 شرکت ملی نفت ایران برای توسعه دانشگاه  
 گندیشاپور کسب اعتبار نمود، ولی چون اختیار  
 مصرف آن را نداشت نتوانست استادان مورد  
 نیاز را استخدام کند. سرانجام دوره عمل مالی  
 منقضی گشت و اعتبار بر گشت. اینک باردیگر بسا  
 کوشش مجدد، این اعتبار را برای سال جاری بدست  
 آورده است ولی هنوز هم بلا اختیار است و اگر  
 احوال بدین منوال بگذرد امسال هم بیم آن  
 میرود که بسر نوشت سال پیش دچار گردد.

فروریخت و قرن‌ها در زیر خاکستر فراموشی  
 افتاد. اینک با زهم نوبت دانش افروزی آن فرا-  
 رسیده تا باردیگر فیض بخش عالم علم و ادب  
 گردد : مقدمات طلیمه کوکب اقبال دانشگاه  
 گندیشاپور از هر حیث فراهم آمده است .

### نور امید:

هم اکنون شاهی که براریکه سلطنت تکیه  
 زده و جانشین انوشیروان دادگستر گشته،  
 خود از دانش بهره وافق دارد و دوستدار بلکه  
 دلپاخته بیقرار علم و ادب و پای بند بزرگی و  
 سروری ایران عزیز است، نیکو دریافته است که  
 تنها در پرتو تابش دانش است که شکوه دیرینه  
 ایران باز میگردد و جهان و جهانیان را فروغ  
 معرفت می‌بخشد. شاهنشاهی سخنرانی پر معنی و  
 امیدبخش خود که در این دانشگاه ایستاد  
 فرمودند، گفتند: اهمیتی که باین دانشگاه  
 (گندیشاپور) میگذاریم درست است  
 که قدری مربوط باسم پرطمطراق و  
 شهرتش میباشد، درست است که فارغ  
 التحصیلان این استان (خوزستان) روز  
 بروز اضافه میشوند و در آینده بمراتب از این  
 هم بیشتر خواهند شد، ولی بخصوص  
 اهمیتی که میگذاریم برای استعدادی  
 است که در این مملکت بخصوص در این  
 خطه از جهت استعداد فردی و انسانی  
 است، و دیگر استعداد این اقلیم است که  
 من برای آن حسد و مانعی نمی‌شناسم.  
 دریغ است و حیف است که امروز حتی  
 يك استعداد انسانی عاطل بماند و يسك  
 امکان آبادانی دست نخورد . پس شما  
 نسبت به آینده خود ، این اطمینان را  
 داشته باشید که دانشگاه شما همدوش  
 و همگام دانشگاه‌های ایران بسمت افقی  
 روز بروز روشنتر و بالاتر و بطور استواری  
 گام بر خواهد داشت .»



حاضر فراهم شده بسیار بسیار ناچیز است و بهیچوجه لیاقت و قابلیت عرضه به پیشگاه مبارک همسایونی ندارد، چه شاهنشاه و شهبانو نظری بلند و همتی بیهمتا دارند»

با این عبارت مسودب و مختصر می‌خواهد دو مطلب مهم و اساسی را عرضه بدارد: یکی اینکه همت بی‌همتای شاهنشاه ایجاب می‌کند که دانشگاه گندیشاپور عظمت دیرینه را باز یابد و بار دگر کانون معرفت گردد، دیگر اینکه اجرای او امر موکد شاهانه در این باره مستلزم اعتبارات و اختیارات بیشتری است که هنوز داده نشده و تمام دشواری در همین جاست

هم اکنون که وزارت آموزش و پرورش مشکلات دانشگاهیان را در یافته و به‌همین جهت اختیارات لازم را بدو دانشگاه پهلوی شیراز و آریامهر اصفهان داده و نیز در شرف اعطای همین اختیارات بدانشگاه تهران است، چرا استدعای رئیس دانشگاه اهواز را بر نمی‌آورد و زنجیرهای مقررات فعلی را از دست و پای او نمی‌گشاید و اختیارات لازم نمی‌دهد؟

تا آنجائی که نگارنده اطلاع داردهمه مردم بویژه نمایندگان خوزستان مصرانه خواهان اعطاء اختیارات تام بدانشگاه گندیشاپورند تا مسیر تکامل خود را سریعانه بگذرانند، چرا وزارت آموزش و پرورش در قبال این اوامر موکد و این خواسته‌های مردم خوزستان از جا نمی‌جنبند و اینهمه تمجمع می‌کنند و از دادن اختیارات لازم خودداری دارد؟ گمان دارم همه این‌سدها بایک لایحه ساده یک‌ماده شکسته شود و آن اینست که با قید دو فوریت تصویب کنند همان اختیاراتی را که برای دو دانشگاه نامبرده قائل شده‌اند، در مورد دانشگاهی که از دیرگاه اعتبار و آبرو عظمت و شهرت داشته و آینده روشن تری را نوید می‌دهد رعایت کنند.

هر سالی که بدینسان بگذرد و بی‌سبب گسترش دانشگاه گندیشاپور بناخیر افتد، تیشه‌ی بریشه پیشرفت دانش در این استان زرخیز زده می‌شود و دل و جان مشتاقان را بدردمی آورد؛ همین سوز دل است که قلم بدست نگارنده می‌سپارد تا بتندی سخن براند و از دل نعره برآورد و این سطور را برشته تحریر در آورد.

تشخیص خردمندان شاهنشاه:

شاهنشاه در درامیدانده فرمان بدرمان می‌دهد و او امر صریح صادر می‌فرماید و می‌گوید:

«برای مقررات و اساسنامه این دانشگاه لازم است که رئیس دانشگاه البته با مشورت اساتید خودش و تماس با وزیر آموزش و پرورش مقرراتی شبیه به یکی از دانشگاه‌های موجود در ایران، شبیه بمقررات جدید دانشگاه پهلوی شیراز یا آریامهر اصفهان... یا اگر چیز دیگری بنظرش می‌رسد، پیشنهاد بکند، مورد توجه قرار خواهد گرفت»

شاهها... حسب الامر مبارک، رئیس دانشگاه پیشنهاد نموده، اصرار ورزیده. التماس کرده و می‌کند. ولی گوش شنوا و دل دردمندی یافت نمی‌شود که پاسخگوی این کوششها و جوشها باشد. کدام مرجع است که زنجیر گبران این هفت خوان رستم، مقررات پیچ در پیچ مزاحم را بشکند و دانشگاه گندیشاپور را پیش از فوت وقت و پایان یافتن سال تحصیلی از بلا تکلیفی بودجه‌ی برهاند؟ دریغ است که سالی دیگر تلف گردد و گسترش لازم همچنان در بوته تعویق باقی بماند.

رئیس دانشگاه با رعایت نزاکت ادبی تلویحاً بعرض شاهنشاه رسانید: آنچه که از جهت کمیت و یا کیفیت اختیارات قانونی یا اعتبارات مالی برای دانشگاه در حال

### لزوم گشایش دانشکده‌های نوین:

با دریافت اعتبارات و اختیارات لازمه است که میتوان سایر دانشکده‌هایی را که مورد نیاز شدید جوانان خوزستان است بوجود آورد. در حال حاضر دانشگاه گنبدشاپور بیش از سایر دانشکده ندارد و هیچکدام هم چنانکه شاید باید مجهز نیست و همه آنها دارای نواقص هستند. با داشتن اعتبارات و اختیارات است که نه تنها میتوان نواقص این دانشکده‌ها را از حیث ساختمان و استاد و آزمایشگاه و ابزار کار و غیره رفع نمود، بلکه سایر دانشکده‌های مورد نیاز را نیز پی افکند.

هنگامیکه شاهنشاه با ژرف بینی وعده میدهد: «هر دانشکده دیگری که در این استان مورد لزوم مردم یا برای پیشرفت کار باشد، تاسیس و ایجاد خواهد شد» این عبارت شاهانه که میفرماید: «ایجاد خواهد شد» وعده نیست، بلکه امر است بمعنی: «باید ایجاد شود» پس «تعلم» در انجام آن «تمرد» از فرمان شاه تلقی میشود؛ این فرمانی است که از دلی آکنده از مهر و محبت و از دولبی پراز امید و آرزو برمیخیزد و لاجرم باید بر دل مسئولین نشیند و الا پادل ندارند و پادل دل از سنگ در سینه دارند.

رئیس دانشگاه که در طی شرفیای بیهای مکرر خود علاقه شاهنشاه را بگسترش دانشگاه گنبدشاپور دریافته، ضروریات این گسترش را در عرایض خود بدینسان بیان میکند:

«در ارتفاعات زاگروس موضوع احیاء جنگلها و مراتع از جهت کشاورزی و تهیه علوفه و هم از جهت حفظ و نگهداری سد محمد رضا شاه پهلوی و سایر سدها مورد توجه است، برای انجام این برنامه احتیاج با افراد کار آزموده میباشد. دانشگاه گنبدشاپور امیدوار است در نزدیکی همان ارتفاعات، «تاسیسات

جنگلبانی، خود را بوجود آورد و از متخصصین ایرانی و خارجی که از دستگاه‌های سازمان آب و برق خوزستان و وزارت کشاورزی مشغول میباشدند برای آموزش استفاده نمایند.

بهمین تربیت در جوار سد محمد رضا شاه پهلوی «برای تربیت کادر آموزگار معلومات برق، و در سفی آباد یا شاه آباد «برای امور عمرانی مانند آبیاری و کشاورزی و ترویج، و در هفت تپه «برای کشاورزی و صنعت نیشکر» و در خوداهواز «برای علوم اساسی تربیت معلم و دانشکده علوم خانه‌داری، و آموزشگاه بهیاری، و بهیاری مامائی، و دوره تربیت تکنیسین آزمایشگاهی و رادیولوژی، و در خرمشهر «دانشکده‌های انستیتوی علوم دریائی مربوط به ماهی و کشتیرانی و تجارت دریائی و نظائر آن، و در آبادان «دانشکده مدیریت صنعتی، راه کمک و همکاری موسسات شرکت ملی نفت و نیروی دریائی و سایر دستگاههای دولتی و ملی بوجود آورد»

### «روز احیای دانشگاه گنبدشاپور»

رئیس دانشگاه گزارش خود را در حضور شاهنشاه بدینسان حسن ختام میبخشد. «برای جان نثار تردیدی نیست که روز ۱۹ اسفند ۱۳۴۵ یعنی روز تشریف فرمائی شاهنشاه آریامهر و علیا حضرت شهبانوی ایران باین دانشگاه بنام:

«روز احیاء دانشگاه گنبدشاپور» در تاریخ نوشته میشود و مبدء زندگی نوین پرشکوه و افتخار این موسسه باستانی خواهد گردید»

مانده دارد